



زمانی که بحث خصوصی سازی پتروشیمی مطرح بود، تعدادی متخصص پیشنهاد دادند که پیش از خصوصی سازی بازار پتروشیمی ایران را شکل دهید. درست می گفتند. پتروشیمی انحصاری و در وضعیت نابازار قرار داشت. گفتند باید این بازار هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی کار کند و نیاز است که ابتدا بازار داخل ایجاد شود. برای این کار هم نیاز بود که برای کل زنجیره ارزش تعیین تکلیف می شد



نیست. در قانون، نهادی آمده به نام شورای رقابت و هدف این بوده که جلوی انحصار را بگیرد و رقابت را در بازار حاکم کند. آیا ما در بازار پتروشیمی رقابت داریم؟ در بازار خودرو رقابت داریم؟ در چه بازاری رقابت داریم؟

■ **خب اعتقاد بر این است که تعداد شرکت های فعال زیاد است و این مانع از انحصار است.**

دو چیز در این موضوع مهم است. یک، اینکه ببینید هر شرکت چقدر از سهم بازار را دارد. اگر صد شرکت هم وجود داشته باشد و یک شرکت ۳۰ درصد بازار را در اختیار داشته باشد یعنی انحصار دارد. دوم اینکه انحصار رابطه مستقیم با نرخ تعرفه بازرگانی دارد. اگر به دنبال رقابت بودیم، باید نرخ تعرفه های بازرگانی را بشدت تنزل می دادیم. نمی توانیم هم تعرفه ۱۰۰ درصدی برای یک کالا تعیین کنیم و هم بگوییم رقابت پذیر هستیم. بنابراین نظام بازرگانی در انحصارزایی بسیار اهمیت دارد. نمی شود دیوار حمایتی را بالا ببریم و رفاه مردم را فدای یک گروه خاص کنیم و بعد بگوییم خصوصی سازی انجام شده.

■ **در شرایطی که امروز ایستاده ایم، با توجه به تحریم ها و فشارهای بین المللی و سیاست های داخلی و وضعیت اقتصادی، به نظر شما یک حرکت انقلابی می تواند خصوصی سازی را در مسیر درست هدایت کند؟**

بهرتر است بازنگری نهادی را جایگزین آن کنیم. برای بازنگری نهادی باید ابتدا به یک پرسش پاسخ دهیم. آیا حاکمیت در ایران به دلیل ارتقای کارایی بنگاه به سمت خصوصی سازی آمده یا دفع شر کرده یا خصوصی سازی به نفع نهادهای خاص بوده؟ اینها دو مسأله مهم و متفاوتند. اول باید تکلیف این مشخص شود. اگر حاکمیت به دنبال ارتقای کارایی است اولین کاری که باید انجام دهد، ایجاد سازوکار بازار است. اما اگر هدف این بوده که فقط بنگاه را از دولت خارج کند و به نهادهای عمومی غیردولتی بسپارد، هر چه ما بگوییم آب در هاون کوبیدن است.

زمان هنوز خصوصی سازی هم در این صنعت صورت نگرفته بود. اما معمولاً در ایران هر زمان چنین پیشنهادهای مطرح می شود، یک عده می گویند این پیشنهادها زمان بر است و باید سریعتر خصوصی سازی انجام شود و تا دولت پشیمان نشده اقدام کرد. این طرز نگاه، ایده ها را متوقف می کند. خلاصه که کلاً به این پیشنهادها توجهی نشد و هنوز هم قواعدی برای بازار پتروشیمی ایران نداریم. بعد از آن عمده توجه ها به بالادست پتروشیمی جلب شد. جایی که اگر شرکت ها گاز را یک سنت ارزان تر می خریدند، بدون دردسر سودهای کلان می بردند. بنابراین به جای آنکه صنایع پتروشیمی در صنایع پایین دستی یا صنایع پتروشیمی مهندسی (میان دستی) که می تواند ارزش افزوده بالایی داشته باشد، فعال تر باشد، نحوه خصوصی سازی این علامت را می داد که رانت در بالادست است نه در زحمت در سایر بخش های میانی و پایین دست. الان شاهدیم که در پایین دست رشد جدی نداشته ایم. سیاست دارد چه علامتی به بازار می دهد؟ می گوید خود را درگیر آن مراحل سخت نکن. بنگاه های کوچک که امکان هزینه کرد در بخش تحقیق و توسعه ندارند و فقط از تکنولوژی های جاری می توانند استفاده کنند، در پایین دست قرار می گیرند. اما می ماند آن حلقه بالادست و وسط. اینجا نیاز به تحقیق و توسعه و نوآوری وجود دارد، ولی در زنجیره ارزش پتروشیمی ایران، سود بالادست در ارزان خریدن گاز است و بخش میانی در عمل حذف شده است و موجب شده تا زنجیره پتروشیمی ناقص شود. صنعت پتروشیمی تنوع زیادی در محصول دارد؛ اما در ایران بسیار محدود است و آن هم به دلیل نحوه خصوصی سازی این صنعت است. خاطرم هست که کسانی که می خواستند در زمان خصوصی سازی پتروشیمی، وارد این بازار شوند - که البته بسیار هم با هوش بودند- در ابتدا شرکت بازرگانی پتروشیمی را گرفتند. چرا که با خود گفتند همه تولید می کنند، اما کیف تجارتش دست ما می افتد و سود می کنیم. در صورتی که اگر براساس قاعده قرار بود خصوصی سازی انجام شود، در ابتدا باید تکلیف همین شرکت را روشن می کردند و برنامه انحلال و یا تقسیم آن را می چیدند.

■ **شرکت هایی که خصوصی سازی ناقصی داشتند، بعضاً پشت صحنه های عجیب و غریبی از اختلاس ها و فسادهای مالی دارند. این در حالی است که بسیاری از همین صنایعی که نام بردیم ادعا دارند که در بورس هستند و عملکردشان شفاف است. نظراتان در این خصوص چیست؟**

ببینید ما از یک سیستم معیوب نمی توانیم انتظار داشته باشیم که برون داد محصول خوبی داشته باشد؛ این یک انتظار نادرست است به نظرم. وقتی یک رانت بزرگ آن بالا خوابیده، نتیجه این می شود که نه تحقیق و توسعه اتفاق می افتد نه توسعه بازار و نه دسترسی به بازارهای جهانی. همه به دنبال این هستند که چطور به رانت بالادستی دسترسی داشته باشند. مشکل اصلی به نحوه سیاست گذاری عمومی برمی گردد که در مورد خصوصی سازی ناقص و ناکارآمد بود.

■ **اعتقاد دارید شرکت های دولتی که واگذار شدند، کرخت شده اند؟**

از کرختی به مراتب بدتر. اگر پیش از واگذاری کرخت بودند، مجلس از آنها بازخواست می کرد. اما حالا هیچ کس نمی تواند آنها را کنترل کند. من درمورد مسأله خصوصی سازی مخابرات، در دولت روحانی به وزیر وقت ارتباطات گفتم که با توجه به وضعیت این شرکت، باید بپذیریم که اشتباه کرده ایم و آن را پس بگیریم. حتی در دنیا هم این موضوع رایج است. آن زمان حرف من رأی نیاورد و اجرا نشد. الان اگر بحث خصوصی سازی مطرح می شود چاره ای جز تجدید نظر در مورد اصل قانون وجود ندارد؛ زیرا این قانون تضمین کننده رقابت